



پولشویی چیست و چگونه انجام می‌شود؟

پادکست دایجست | قسمت ۶

بهمن ۱۳۹۶

فرشاد محمودی

ویرایش و تنظیم: شادی حسین‌نیا

مقدمه

موضوع این قسمت از پادکست دایجست «پولشویی» است. پولشویی به چه معناست و چگونه انجام می‌شود؟ مثل همیشه قبل از اینکه مکانیزم و فرآیند پولشویی را توضیح دهیم، به این می‌پردازیم که آغاز فلسفه پولشویی از کجاست و چه اندازه اهمیت دارد.

قدمت پولشویی تقریباً به همان زمانی برمی‌گردد که پول و بانکداری به وجود آمد و از هزاران سال قبل به شکل‌های مختلف انجام می‌شده است. به عنوان یک مثال ساده، مردم برای مالیات ندادن، ثروت خود را در محل‌هایی پنهان می‌کردند که از چشم مأموران دولتی مخفی بماند. اما به وجود آمدن خود کلمه‌ی «پولشویی» با آل‌کاپون عجین شده است. احتمالاً اسم او را زیاد شنیده‌اید. آل‌کاپون سرکرده‌ی یکی از شکل‌های مختلف بزرگترین مافیاهای جرائم سازمان‌یافته بود که در نهایت تنها به اتهام پرداخت نکردن مالیات (و نه جرائم دیگرش) توسط دولت آمریکا دستگیر شد. دلیل ارتباط واژه‌ی «پولشویی» با آل‌کاپون آن است که یکی از مشاغل آل‌کاپون، خشکشویی‌هایی بود که از طریق آن‌ها پول‌های کثیفش را با پول‌های تمیز یکی می‌کرد و اصطلاحاً آن‌ها را می‌شست. در ادامه چگونگی این فرآیند را توضیح می‌دهیم. این وجه تسمیه و علت پیدایش واژه‌ی «پولشویی» و ارتباط آن با کار آل‌کاپون بود.

چرا پولشویی اهمیت دارد؟

در واقع، منفعت جرم برای مجرم، پولی‌ست که از آن طریق به دست می‌آید و اگر آن نتواند از آن استفاده کند، دلیلی ندارد که خود را به زحمت انداخته و مورد تعقیب قرار بگیرد. در نتیجه جلوگیری از پولشویی می‌تواند باعث جلوگیری از وقوع جرم باشد. برای آن که بدانیم این به چه معناست، باید بدانیم که خود پولشویی چیست. پولشویی یعنی پولی را که از راه خلاف به دست آورده‌اید (مثلاً با فروش هروئین، دزدی، رشوه گرفتن در یک پست دولتی و...) طی فرآیندی به پول تمیز و قانونی تبدیل کنید. مثلاً اگر کسی ۱۰۰ میلیارد تومان پول از راه قاچاق به دست آورده باشد، نمی‌تواند آن پول را یک‌جا در بانک سپرده کند؛ چرا که سازمان‌های امنیتی سریعاً آن فرد را تحت نظر می‌گیرند و چگونگی جابه‌جایی این پول هنگامت را بررسی می‌کنند. سابقه‌ی تراکنش‌های فرد را چک می‌کنند و می‌بینند مجموع موجودی کل حساب‌های این شخص تا قبل از این مثلاً بیش از ۲۰ میلیون تومان نبوده؛ پس ورود یک‌جا ۱۰۰ میلیارد تومان به حسابش مشکوک است. بدین ترتیب پول مصادره می‌شود و فرد باید ثابت کند که این مبلغ را از راه قانونی به دست آورده است. این یک نوع استراتژی به منظور جلوگیری از جرم‌هایی‌ست که ممکن است در دنیا رخ دهند. وقتی دولت‌ها با پولشویی مبارزه می‌کنند، در اصل دارند کاری می‌کنند که خلافکاران حتی اگر در اجرای معاملات خلافکارانه‌ی خود موفق شدند، نتوانند از آن پول به راحتی استفاده کنند.

گسترده‌ی پولشویی چه قدر است؟

هیچ‌کس درست نمی‌داند. صندوق بین‌المللی پول یک بار گفته بود بین ۲ تا ۵ درصد تولید سرانه‌ی داخلی جهان پولشویی است؛ یعنی چیزی حدود ۱,۵ تریلیون دلار. البته آمار و تخمین بسیار است.

پولشویی چگونه اتفاق می‌افتد؟

توضیحی که من این‌جا می‌دهم، بسیار ساده‌شده است و پولشویی در دنیای واقعی کمی پیچیده‌تر از این است. قبل از اینکه مراحل مختلف پولشویی را برایتان بگویم، خوب است بدانید که پولشویی ۴ نوع مختلف دارد و این انواع بر اساس دو متغیر تعیین می‌شوند: (۱) پول کجا کسب شده است؟ (۲) پول کجا شسته شده است؟ یعنی پول کثیف در یک کشور به دست آمده، در همان کشور هم شسته شده یا به کشور دیگری فرستاده شده است یا برعکس. حال ببینیم که پولشویی چگونه انجام می‌شود.

به صورت کلی فرآیند پولشویی در سه مرحله اتفاق می‌افتد: Integration، Layering و Placement.

مرحله‌ی اول، Placement: پولی که از راه خلاف به دست آورده‌اند را با تکنیک‌هایی به یک سیستم مالی (مثلاً بانک) وارد می‌کنند. یعنی باید پول‌ها را از زیر بالش (!) یا گاوصندوق‌های خانگی خارج کرده و به نحوی به سیستم مالی کشوری تزریق کنند. این مرحله یکی از مراحل است که معمولاً افراد در آن دستگیر می‌شوند. خود Placement به روش‌های مختلفی قابل انجام است. مثلاً در حال حاضر شما ۱۰۰ هزار دلار پول زیر بالش دارید و ساکن آمریکاییید و قصد دارید مرحله‌ی اول را اجرا کنید. اگر این مقدار پول را مستقیماً به بانک ببرید، فوراً سازمان‌های امنیتی خبردار شده و شما را تحت نظر می‌گیرند. دسترسی شما به پول، تا زمانی که مدارک کافی برای تمیز بودن آن ارائه نکنید، قطع می‌شود. اما مدرکی در کار نیست چون شما این پول را دزدیده‌اید. همه‌چیز همین‌جا تمام می‌شود. پول را مصادره و خود شما را دستگیر می‌کنند. برای رد شدن از این مرحله چند روش وجود دارد:

یکی از این تکنیک‌ها smurfing نامیده می‌شود. این اسم از انیمیشن اسمورفی‌ها (همان آدم‌های آبی کوچک) اقتباس شده‌است. مثلاً در کشوری مثل آمریکا سقف واریزی بدون گزارش در هر روز ۱۰ هزار دلار است. یعنی اگر تا ده هزار دلار به حساب شما واریز شود، کسی درباره‌ی چگونگی و محل حصول آن پرس‌وجو نمی‌کند. روش کار این است که باید یک متخصص اسمورف پیدا کنید و ۱۰۰ هزار دلار را به او بدهید. او ۱۰-۲۰ درصد از پول را به عنوان کمیسیون برای خود برمی‌دارد و باقی‌مانده را به ۷ الی ۸ نفر می‌سپارد که حساب‌های مختلف در بانک‌های مختلف درست کرده و با واریزی‌های زیر ۱۰ هزار دلار، پول را وارد سیستم کنند و بعداً پول را با روش‌هایی که در ادامه خواهیم گفت، برای شما واریز می‌کنند.

روش دیگر این است که به کازینو رفته و «چیپ بازی» یا همان ژتون بخريد و با پول خود قمار کنید. برای این کار معمولاً بازی‌هایی انتخاب می‌شوند که احتمال برد در آن‌ها بیشتر است. در آخر از صندوق‌دار می‌خواهید که پولتان را به شکل چک به شما پرداخت کند. شما چک را به عنوان مدرک قمار به بانک می‌دهید و آن را نقد می‌کنید.

حالت دیگر این است که پول را به دارایی تبدیل کنید. مثلاً با یک میلیون دلار پول فروش کواکین، نقداً یک خانه می‌خرید. برای شخص فروشنده هم اهمیتی ندارد که شما پول را از کجا آورده‌اید. خانه را می‌خرید و پس از مدتی آن را می‌فروشید و از خریدار می‌خواهید پول را به حسابتان واریز کند. بدین ترتیب شما در پرس‌وجوها می‌توانید بگویید این پول را از طریق فروش خانه به‌دست آورده‌اید. البته این کار چندان راحت نیست؛ زیرا دولت می‌داند این یکی از راه‌های پول‌شویی است و فرم‌های گزارش‌دهی خاصی برای جلوگیری از این کار تدوین کرده‌است. راه دیگر، که شبیه بیزنس آل‌کاپون است، این است که در بیزنسی فعالیت کنید که با وجه نقد سر و کار دارد. مثل رستوران، خشک‌شویی، کارواش (که در سریال برکینگ‌بد هم بود)، کازینو و... فرض کنید یک رستوران دارید و به کمک یک حسابدار خبره، آن یک میلیون دلار را در حساب‌های رستوران جای می‌دهید. مثلاً رستوران شما امروز ۱۰ پرس غذا فروخته، ولی شما به‌نحوی حساب‌سازی می‌کنید که انگار ۱۰۰ نفر در آن‌جا غذا خورده‌اند. بدین ترتیب پول کثیف معادل قیمت غذای ۹۰ نفر را با پول تمیز آن ۱۰ نفر واقعی ترکیب می‌کنید. یا در حساب مشتریانتان انعام‌های زیاد با مبلغ بالا درج می‌کنید. با این کارها پولتان را تمیز کرده و به راحتی به بانک منتقل می‌کنید. این روش بسیار متداول است. در ایران هم شرکت‌های زیادی هستند که در صورت‌های مالی واقعی‌شان چیزی جز ضرردهی نمی‌بینید؛ ولی در پشت‌پرده داستان‌های دیگری هست که شرکت را سرپا نگه می‌دارد. در حقیقت کار آن شرکت پول‌شویی است و چیزی که دیده می‌شود تنها ظاهر قضیه است. احتمالاً در کوچه و خیابان پروژه‌هایی را دیده و با خود گفته‌اید این پروژه توجیه اقتصادی ندارد و هرجوری حساب می‌کنیم ضررده است؛ در صورتی که نمی‌دانید کار اصلی این پروژه پول‌شویی است، نه آن چیزی که شما فکر می‌کنید.

مدل‌های فراوانی وجود دارد. مثلاً شما بخشی از پول را در این کشور و بخشی را در جای دیگر پس‌انداز می‌کنید. این کار به یک قاچاقچی پول نیاز دارد که پول را به یک کشور دیگر قاچاق کرده و در آن‌جا به سیستم مالی وارد کند. ایده‌ی دیگر این است که مثلاً یک کامیون کواکین به آمریکا فرستاده‌اید. پول این معامله را به لوازمی مثل یخچال و تلویزیون و... تبدیل می‌کنید و آن لوازم را در کشور خود (مثلاً مکزیک) می‌فروشید و به راحتی پول را به بانک می‌برید.

مرحله دوم، Layering: این واژه از Layer (لایه) می‌آید. در این مرحله آن قدر پول را به شکل‌های مختلف می‌گردانند که کنترل مسیرش گمراه‌کننده شود و نتوان به راحتی ابتدا و انتهای گردشش را پیدا کرد. در واقع در این مرحله آب را گل‌آلود می‌کنند؛ اما چگونه؟ پول را به بهانه‌های مختلف ده‌ها بار از حساب اولیه به حساب‌های مختلف در کشورهای مختلف دنیا واریز می‌کنند. یا شکل ارزی آن را عوض می‌کنند. یا پول را در یک کشور دیگر به جنس تبدیل می‌کنند؛ مثلاً ملک، ماشین، کشتی تفریحی یا حتی آثار هنری و اشیاء با ارزش دیگری مثل الماس. یکی از دلایل «مافیا» داشتن آثار هنری، ارتباطی است که با پول‌شویی دارد.

به همین ترتیب پول را دائماً می‌چرخانند و شکل آن را عوض می‌کنند تا ردیابی آن غیرممکن شود. دقت کنید که وقتی حساب‌های بانکی را بررسی می‌کنند، نمی‌توانند به سرعت رابطه‌ی بین حساب‌ها را کشف کنند. معمولاً لو رفتن این پروسه‌ها در اثر اشتباه یک نفر رخ می‌دهد و کار به تحقیق نیروهای امنیتی کشیده می‌شود؛ وگرنه در میان میلیون‌ها تراکنش مالی، نمی‌توان به راحتی حساب‌های مجرمین را تشخیص داد. از طرفی بانک‌ها و حتی مراجع قضایی برای چک کردن هرروز حساب‌ها نیرو و منابع کافی ندارند. این کار نیازمند نیرو و انرژی و تخصیص منابع و بودجه است.

مرحله‌ی آخر، Integration: در این مرحله پول تمیزشده را به چرخه‌ی اقتصاد برمی‌گردانند. بعد از اینکه پول در مرحله‌ی قبل پی‌درپی تغییر شکل یافت، آن را دوباره از طریق معاملات قانونی و تمیز به سیستم مالی کشور برمی‌گردانند.

یک راه، استفاده از فاکتور است. من یک شرکت تجارتي تأسیس و با مشتریان جعلی‌ام توافق و عده‌های فاکتورها را بالا-پایین می‌کنم. مثلاً جنسی که ۱۰۰ تومان ارزش دارد را در فاکتور ۴۰۰ تومان می‌نویسم و این‌گونه پولی که چندلایه چرخیده را به صورت قانونی به سیستم مالی‌ام برمی‌گردانم. چرا که این پول، پول فروش جنس است و کسی نمی‌پرسد چرا گران فروخته‌ام. یا فرض کنید که یک سازمان خیریه تأسیس می‌کنید و از طریق خیرین دروغین، پول لیرشده در مرحله‌ی قبل را به عنوان کمک خیر

به سیستم باز می‌گردانید و آن را به اسم وام و حقوق و... برای خود برداشت می‌کنید. یا با پول‌های جابه‌جا شده، اجناس مختلف خریداری می‌شود و پول فروش آن اجناس با چند لایه فاصله‌سازی به عنوان پول تمیز به سیستم شما برمی‌گردد.

روش دیگر، به کارگیری حساب‌های offshore، یا به اصطلاح «شل کمپانی‌ها» یا همان شرکت‌های سوری است. این یکی از راه‌هایی است که برای پول‌شویی‌های بزرگ از آن استفاده می‌شود. مثلاً در پول‌شویی‌های چندصد میلیونی که نمی‌شود پول را با خشک‌شویی و کارواش و از این قبیل مشاغل تمیز کرد، یکی از راه‌های متداول و روی بورس همین است. اگر قسمت پنجم پادکست دایجست را گوش کرده باشید، به اسناد لورفته‌ی پاناما و پارادیس اشاره‌ای داشتیم که مربوط به همین شرکت‌های سوری است. ماجرا این است که برخی کشورهای گم‌نام، بهشت شرکت‌های سوری‌اند. مثلاً در این کشورهای دورافتاده مالیات پرداخت نمی‌کنید، مراحل ثبت شرکت کم دردسر است، نیازی به مکان و مجوز ندارید و می‌توانید به راحتی روی کاغذ یک شرکت ثبت کنید؛ در حالی که در واقع شرکتی وجود ندارد. فرض کنید در جزایر بریتیش ویرجین، پاناما، لوکزامبورگ یا هر جای دیگری یک شرکت خدمات مشاوره‌ی مالی ثبت می‌کنید. یعنی فعالیت این شرکت آن است که به شرکت‌های مختلف مشاوره‌ی مالی بدهد. این از بهترین ایده‌هاست، چرا که به محصول خاصی هم نیاز ندارد و در ازای مشاوره پول می‌گیرد. شما این شرکت را در پاناما ثبت کرده و حالا برای کسب درآمد به مشتری نیاز دارید. یک مشتری از آن سوی دنیا پیدا می‌شود که احتمالاً به مشاوره‌ی مالی شما نیاز دارد و او کسی نیست جز دوست شما: مشتری جعلی. یعنی هر دو سمت این بیزنس خود شما هستید. تعدادی ایمیل سوری رد و بدل شده و شرکت مشورت‌های مالی خود را ارائه می‌کند. مشتری ۲۰ هزار دلار -که در اصل پول لیرشده‌ی شماست- را به حساب شرکت مشاور واریز می‌کند که صاحبش خود شما بودید. از پرداخت مالیات هم خبری نیست و شما به همین راحتی ادعا می‌کنید که مشاوره داده و پول تمیز و قانونی گرفته‌اید.

این یک شمای کلی بود از فرایند پول‌شویی. این موضوع آن‌قدر پر اهمیت است که می‌شود گفت در بیشتر دیوان‌های اداری آمریکا واحدی به نام مبارزه با پول‌شویی فعال است. در سطح جهانی سازمانی به نام FATF (گروه اقدام مالی) به وجود آمده که کار اصلی آن توسعه‌ی قوانین و آیین‌نامه‌ها برای مبارزه با پول‌شویی است.

در این جا می‌خواهم چند نمونه‌ی واقعی پول‌شویی را تعریف کنم تا ببینید به چه شکلی انجام شده‌اند. در دهه‌ی ۱۹۸۰ شرکتی به اسم «کریزی ادی» وجود داشت که فروشگاه‌های زنجیره‌ای فروش لوازم الکترونیکی بودند. صاحب این شرکت مردی بود به اسم «ادی آنتار». ادی در ابتدا می‌خواست بخشی از درآمدش را از چشم سازمان مالیات آمریکا مخفی کند که مالیات ندهد؛ ولی بعداً متوجه شد که می‌تواند از این پول استفاده‌ی بهتری کند. اگر می‌توانست این پول مخفی را به صورت ناشناس دوباره وارد شرکت کند، سهام شرکت رشد می‌کرد. او مراحل ایده‌اش را به این ترتیب اجرایی کرد:

مرحله‌ی اول: سفرهایی به اسرائیل ترتیب داد. در این سفرها با خود پول قاچاق می‌کرد و آن‌جا طی دفعات مختلف پول‌ها را به حساب خود واریز می‌کرد.

مرحله‌ی دوم: قبل از اینکه مقامات اسرائیلی و آمریکایی متوجه او شوند، پول را به حسابی در پاناما انتقال می‌داد. اسرار و محرمانه بودن بانک‌ها در پاناما مانع تحقیق و تفحص در مسائل مالی و حساب‌ها است. در آن‌جا پول را به حساب‌های آفشوری که داشت واریز می‌کرد. مرحله‌ی آخر: ادی آهسته‌آهسته پول را از این حساب‌ها به حساب شرکت کریزی ادی (یعنی همان شرکت فروشگاه زنجیره‌ای) انتقال می‌داد. احتمالاً در صورت حساب‌ها ثبت می‌کردند که به آن شل کمپانی‌ها جنس فروخته‌اند.

نهایتاً ادی با این روش ۸ میلیون دلار پول‌شویی کرد. این کار باعث شد ارزش شرکتش ۴۰ میلیون دلار بیشتر از ارزش واقعی شرکت (بدون پول‌شویی) باشد. ادی نهایتاً سهامش را فروخت و با ۳۰ میلیون دلار سود فرار کرد. او در سال ۱۹۹۲ در اسرائیل بازداشت و برای گذراندن ۸ سال حبس به آمریکا بازگردانده شد.

نمونه‌ی دیگر، اجرای فرانکلین جورادو بود. در دهه‌ی ۸۰ میلادی یک اقتصاددان درس خوانده‌ی هاروارد (فرانکلین جورادو) یک عملیات پول‌شویی را برای یکی از مافیاهای مواد مخدر کلمبیایی (به اسم خوزه سانتاکروز لوندونو) انجام داد.

مرحله‌ی اول: جورادو وجه نقد حاصل از فروش مواد مخدر در آمریکا را در بانک‌های پاناما سپرده‌گذاری می‌کرد. مرحله‌ی دوم: این پول را از پاناما به ۱۰۰ حساب بانکی در ۶۸ بانک مختلف در ۹ کشور اروپایی می‌فرستاد. همه‌ی واریزها زیر ۱۰ هزار دلار بودند که کسی شک نکند. همه‌ی صاحبان این حساب‌ها افراد ساختگی یا آشنایان و دوست‌دخترهای خوزه سانتاکروز بودند. جورادو تعدادی شرکت سوری هم در اروپا ساخته بود که این پول‌ها را به عنوان درآمد واقعی این شرکت‌ها جا بزند.

مرحله‌ی آخر: پول به کلمبیا فرستاده می‌شد تا به عنوان درآمد در بیزنس‌های واقعی سانتاکروز تزریق شود.

اما در نهایت جورادو دستگیر شد. او در مجموع ۳۶ میلیون دلار با این روش پول‌شویی کرده بود. اما ماجرای لو رفتن او چگونه بود؟ یکی از بانک‌های مراکشی که جورادو در آن حساب داشت، ورشکست شد. وقتی که حساب‌های بانک را بررسی می‌کردند متوجه شدند حساب‌های بانکی متعددی وجود دارد که یک سر آن‌ها به جورادو می‌رسد. از طرفی همسایه‌اش در لوکزامبورگ شکایت کرده بود که دستگاه اسکناس‌شمار جورادو تمام مدت شب روشن است و ما از صدای آن نمی‌توانیم بخوابیم. این دو اتفاق به دستگیری او در لوکزامبورگ انجامید. با پایان دوران محکومیت در لوکزامبورگ، یک دادگاه آمریکایی مجدداً علیه‌اش حکم داده و هفت سال و نیم هم در آمریکا به زندان رفت.

این دو مورد از نمونه‌های واقعی بودند.

نکته‌ی دیگری که باید بدانید، ظهور رمز-ارزهای مختلف (بیت‌کوین، اتریوم و...) و ارتباطشان با پول‌شویی است. در واقع چون اساس

رمز-ارزها غیرمتمرکز بودن آن‌هاست -یعنی ارزی هستند که توسط دولت‌ها کنترل نمی‌شوند- و افراد در این چرخه ناشناس هستند، بهترین عرصه برای پول‌شویی به حساب می‌آیند. اصلاً یکی از دلایل مقاومت دولت‌ها در برابر رمز-ارزها همین عامل است که پول‌شویی را تسهیل می‌کند. ناگفته نماند که با اینکه تأکید می‌شود رمز-ارزها ناشناس بودن را حفظ می‌کنند، ولی مقامات اگر بخواهند به راحتی می‌توانند رد پول را گرفته و شخص را پیدا کنند. جمله‌ی معروفی هست که می‌گوید «هر چیزی آنلاین شد، دیگر پاک شدنی نیست و بالأخره می‌شود پیداش کرد.» اگر علاقه‌مند بودید راجع به بیت‌کوین و نحوه‌ی کار کردن آن بدانید، می‌توانید قسمت سوم پادکست دایجست (که کاملاً در رابطه با این موضوع است) را گوش کنید.

دنیا برای مبارزه با پول‌شویی چه کرده‌است؟

یکی از مهم‌ترین نهادهایی که در این زمینه به وجود آمده، سازمانی‌ست به اسم گروه اقدام مالی یا FATF. این سازمان در سال ۱۹۸۹ به پیشنهاد کشورهای گروه ۷ شکل گرفت. بزرگ‌ترین کار این سازمان تا کنون، انتشار توصیه‌هایی در سطح جهانی بوده که اساس مبارزه با پول‌شویی در کشورهای جهان قرار گرفته‌است. اولین بار در سال ۱۹۹۰، چهار توصیه را منتشر کردند که به «توصیه‌های چهل‌گانه» معروف شد. این توصیه‌ها در سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۳ بازنگری شدند. بعد از ماجرای ۱۱ سپتامبر در آمریکا، ۸ توصیه و در سال ۲۰۰۴ هم یک توصیه‌ی دیگر به آن اضافه شد و این ۴۹ توصیه به «توصیه‌های ویژه» معروفند. سرانجام در آخرین نسخه، FATF به سندی تبدیل شد که این توصیه‌ها در آن به‌روزرسانی شده‌اند و از سایت بانک مرکزی قابل‌دانلود است. همه‌ی این‌ها به علاوه‌ی کنوانسیون‌های مختلف، از جمله کنوانسیون پالرمو، نهایتاً منجر به آیین‌نامه‌هایی می‌شود که به اشکال مختلف سعی دارند جلوی پول‌شویی را بگیرند. در برخی فرودگاه‌ها نوشته شده که اگر بیش از ۱۰ هزار دلار پول همراه خود دارید، باید اعلام کنید؛ این به خاطر همین راه‌های جلوگیری از پول‌شویی است. یا در آمریکا حتی برای معاملات نقدی بالای ۱۰ هزار دلار، فرم‌های خاصی هست که تجار موظف به پر کردن آن‌ها هستند. حتی اگر واریزهای زیر ۱۰ هزار دلار با شغل و کسب‌وکار شما سنخیت نداشته باشد و بانک را مشکوک کند، اجازه دارند شما را مورد بازخواست قرار دهند. قانون دیگری به نام «قانون محرمانگی بانک‌ها» وجود دارد که به دولت‌ها اجازه می‌دهد در صورت درخواست حساب‌های بانکی را ردیابی و کنترل کنند. این درحالی‌ست که برخی بانک‌ها (نه همه‌ی بانک‌ها) در برخی کشورها این اجازه را به دولت نمی‌دهند. این مسئله یک سری قوانین خاص حقوقی دارد. به‌طور کلی ده کشور اول دنیا که بانکداری خصوصی در آن‌ها بسیار قدرتمند است و قوانین خاصی برای حفظ محرمانگی دارند، سوئیس، هنگ‌کنگ، آمریکا، سنگاپور، لوگزامبورک، کایمان، لبنان، آلمان، بحرین و امارات متحده هستند.

قول معتبری‌ست که تا زمانی که بانکداری سیکرتی -بانکداری با این میزان محرمانگی- وجود دارد، پول‌شویی هم در جریان خواهد بود.